

# ضرورت درس کارآفرینی در دوره کارشناسی آموزش ابتدایی مبتنی بر ویژگی‌های ذهنی-روانی کارآفرینان آموزشی

ندا کمالی<sup>۱</sup>

مریم سیف نراقی<sup>۲</sup>

عزت الله نادری<sup>۳</sup>

## چکیده

ما در دوره‌ای از مشکلات بی‌سابقه‌ی اجتماعی، اقتصادی، فناوری و زیست محیطی زندگی می‌کنیم و نیاز به بهبود و تغییر شرایط در مقیاس جهانی داریم. از آنجا که آموزش و پرورش به عنوان یک عنصر اساسی در روند توسعه و پیشرفت ملی مورد پذیرش است، می‌تواند نقش مهمی از طریق معلمان در موفقیت سیستم آموزشی برای ایجاد یک تحول مثبت در جامعه داشته باشد. در حال حاضر سیستم‌های آموزشی کنونی اساساً مبتنی بر هوش کلامی-زبانی، ریاضی-منطقی می‌باشد که به عنوان IQ یا ضریب هوشی تعریف می‌شوند و در نتیجه بیشتر بر عملکردهای چپ مغز تمرکز می‌کند که توجه یک جانبه به آن پتانسیل‌های کارآفرینی افراد از جمله خلاقیت، ریسک‌پذیری، تفکر انتقادی، کنترل درونی، اعتماد به نفس و غیره را که برای داشتن یک ذهنیت کارآفرینی لازم و ضروری است را کاهش داده یا از بین می‌برد. در این تحقیق ضمن بحث و بررسی در خصوص مفهوم، مبانی و ویژگی‌های کارآفرینی به اختصار، به موضوع ویژگی‌های دانشجویان کارشناسی آموزش ابتدایی و مولفه‌های برنامه درسی به تفصیل پرداخته شد. نتایج مطالعات حاضر حاکی از آن است برای ایجاد رشد اقتصادی و نوآوری در مشاغل مختلف، افزایش شهروندان شاد و توانا در حل مسائل و موضوعات درازمدت، داشتن سلامت فکری و روحی، درک فرصت‌ها و خلاءها، «درس کارآفرینی» برای دانشجویان رشته آموزش ابتدایی و تجهیز آنان به ویژگی‌ها و صلاحیت‌های کارآفرینی ضرورت دارد. در پایان پیشنهادهایی در جهت ارائه درس کارآفرینی با توجه به ویژگی‌های ذهنی-روانی کارآفرینان آموزشی به عنوان یک واحد اجباری در رشته آموزش ابتدایی ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، ویژگی‌های ذهنی-روانی، کارآفرینان آموزشی، رشته آموزش ابتدایی، کارشناسی

<sup>۱</sup>. دانشجوی دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

kamalineda88@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دکتری روان شناسی کودکان استثنایی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

<sup>۳</sup>. دکتری روان شناسی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

## مقدمه

امروزه ضرورت بیشتری برای انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق نظام آموزشی با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، شخصی و فناورانه وجود دارد و رویکردهای نوین در پی یافتن راهی برای ارتقا انگیزش، خودباوری و مهارت‌های متناسب با برنامه‌های درسی منعطف هستند. همچنین بر فردگرایی، رشد ابعاد وجودی و شخصیتی، مانند تفکر اصیل، استدلال، خلاقیت، نوآوری و قابلیت‌های کارآفرینانه تاکید می‌شود. تعلیم و تربیت نوین نیاز به آزادی در یادگیری و یاددهی و رویکردهای یادگیری فعال دارد، به ویژه باید روابط چندبعدی بین مفاهیم کارآفرینی و تجارب کارآفرینی در جامعه برقرار شود. تحقیق انجام گرفته از سوی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱ تایید می‌کند که آموزش، نقش بسیار مهم در کارآفرینی ایفا می‌کند. تجهیز افراد به مهارت‌های کارآفرینی یکی از نخستین اولویت‌های شناسایی شده در تمام کشورهای عضو GEM بوده است. به آموزش کارآفرینی در ابتدا در ایالات متحده آمریکا در بطن دوره‌های دانشگاهی بسیار توجه شد. مشابه این امر، در کشورهای دیگر نظیر فیلیپین، هند، سنگاپور، کره جنوبی، اندونزی و مالزی از طریق ایجاد نهادهای مستقل آموزشی و منظور کردن دروس کارآفرینی در مجموعه دروس آموزشی توجه جدی شد. در برنامه درسی این نهادها و دانشگاه‌ها، آموزش کارآفرینی به شکل تلفیقی یا به صورت یک درس مستقل برای رشته‌های گوناگون عرضه می‌شود. در ایران نیز با توجه به برنامه توسعه پنجم و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ آموزش عالی، شورای عالی برنامه‌ریزی در جلسه ۶۰۶ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۱ خود با ایجاد درس «مبانی کارآفرینی» به ارزش دو واحد به عنوان درس اختیاری برای تمامی رشته‌های دانشگاهی موافقت کرد. با این حال بعد از گذشت حدود یک دهه، دیده‌بان جهانی کارآفرینی کمیت و کیفیت آموزش کارآفرینی در سال ۲۰۱۳، در دوره‌های دانشگاه ایران را ارزیابی کرد که ایران در بین ۷۳ کشور عضو، رتبه ۷۲ را کسب کرد. این نتیجه بیانگر فقر شدید آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی است، که یقیناً این فقر در قلمرو علوم انسانی به طور عام و رشته کارشناسی آموزش ابتدایی به طور خاص که مدنظر این پژوهش است، بیشتر نمود پیدا می‌کند. این در حالی است که بنابر اطلاعات و آمار به دست آمده از مرکز تحقیقات علوم انسانی آمریکا (۱۹۹۹) سهم تخصیص علوم انسانی در تولید ناخالص ملی به طور مستقیم بالغ بر ۵۰ درصد است و بیشترین شغل ایجاد شده که حاصل تفکر کارآفرینی است، برخاسته از افراد تحصیل‌کرده در حوزه علوم انسانی بوده است. بنابراین یک راه‌حل پایدار برای ایجاد نگرش کارآفرینانه، ارتقای توانمندی‌ها و ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان با استفاده از ظرفیت ارزشمند برنامه‌های درسی در طول دوره تحصیل است، زیرا با توجه به مطالعات مختلف صورت گرفته، روشن شده که ویژگی‌های کارآفرینان اغلب اکتسابی است نه توارثی (ملکی پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰). دراکر نیز معتقد است کارآفرینی مانند هر رشته علمی دیگر قابل

یادگیری است البته نه به عنوان موضوعی مجزا و جداگانه از طرح و برنامه‌های آموزش، بلکه به عنوان یک جز درهم‌تنیده از برنامه درسی درکل طرح و برنامه‌های آموزش و پرورش. برای اینکه بتوان افراد کارآفرین تربیت کرد، باید در کنار آموزش کارآفرینی به کارآفرینی آموزشی توجه داشت. در کارآفرینی آموزشی عناصر و مولفه‌های نظام آموزشی شامل معلمان، دانش‌آموزان، برنامه درسی، شیوه‌های ارزشیابی، محیط یادگیری، روش تدریس، رسانه‌های آموزشی بر اساس تربیت افراد کارآفرین شکل می‌گیرد. از طرف دیگر ظهور علم شناختی به عنوان یکی از علوم جدید و تاثیرگذار بر زندگی بشری، بر کارآفرینی تاثیر گذاشته است که حاصل آن ظهور علوم بین‌رشته‌ای تحت عنوان کارآفرینی شناختی است. در این حوزه ویژگی‌های روان‌شناختی افراد کارآفرین مانند هوش، خلاقیت، تفکر، تصمیم‌گیری و غیره مورد توجه قرار می‌گیرد. واقعیت این است که ویژگی‌های افراد کارآفرین مانند خلاق بودن، ریسک‌پذیر بودن، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، اسناد درونی و غیره که به عنوان ویژگی‌های روان‌شناختی افراد کارآفرین مطرح است در بستر تعلیم و تربیت و فرایند یاددهی - یادگیری شکل می‌گیرد (لطفی، اردشیر، عبدالهی حسینی، ۱۳۹۶).

لذا، کارآفرینی، علیرغم ویژگی‌های منحصر به فرد خود و برخورداری از قابلیت آموزش و اکتساب و با وجود تاکیدات فراوان در اسناد راهبردهای ملی مختلف، هنوز جایگاه مناسب و شایسته خود را در آموزش و پرورش ایران نیافته است. از سوی دیگر هیچ نقشه راه و راهنمای مدون و منسجمی نیز در خصوص طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی کارآفرینی در رشته کارشناسی آموزش ابتدایی وجود ندارد. همچنین، نظام آموزشی مهارت‌آموز نیست و برنامه‌های درسی، منطبق بر پرورش این شایستگی‌ها طراحی نشده‌اند و گاه مدرسان با انجام اشتباهاتی مانع از شکوفایی توانایی‌های کارآفرینانه در دانشجویان می‌شوند؛ بنابراین تردیدی در اهمیت بررسی دقیق‌تر عناصر مربوط به آموزش کارآفرینی و برنامه‌ریزی حساب شده برای تقویت شایستگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه، به ویژه در نسل جوان جامعه وجود ندارد (مرتضی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

در چنین شرایطی دانش‌آموختگان رشته کارشناسی آموزش ابتدایی، باید بتوانند همسو با تحولات علمی و متناسب با نیازهای جامعه، توانایی‌های دانشی و روشی خود را ارتقاء داده و موقعیت‌های یادگیری متنوعی را برای کسب عادات و مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر توسط دانش‌آموزان تدارک ببینند. کسب این توانایی در دوران کودکی بیش از هر دوره دیگری دارای اهمیت است، چرا که آنچه فرد در دوران نوجوانی و بزرگسالی انجام می‌دهد، تحت تاثیر تجربیات دوران کودکی است. تحقق این امر تا حد زیادی به کیفیت برنامه درسی معلمان در دوره ابتدایی و چگونگی آماده‌سازی آنان وابسته است (نوه ابراهیم، ۱۳۹۵: ۷)

با توجه به این که قاعدتاً باید اکثر فارغ‌التحصیلان این رشته، جذب آموزش و پرورش کشور شوند و در دوره ابتدایی کار کنند، تاثیر این دوره از اهمیت خاصی برخوردار است بنابراین، آموزش عالی باید رویکردی اتخاذ نماید که ضمن ارائه دانش جدید، کارآفرینی را نیز در دانشجویان نهادینه کند و این میسر نخواهد شد مگر آنکه کارآفرینی در برنامه درسی رشته‌های مختلف بخصوص رشته آموزش ابتدایی گنجانده شود.

## مفهوم کارآفرینی

به رغم اهمیت کارآفرینی در رشد و رفاه اقتصادی، مرور ادبیات کارآفرینی و وجود انبوه مطالعات، شواهد نشان می‌دهد، جامعه علمی بر سر تعریف و تعیین قلمرو پژوهشی برای این موضوع مهم با عدم اجماع مواجه‌اند. بسیاری از نوشته‌های علمی در باب موضوع کارآفرینی، در طول حیات این حوزه فکری، به علل گوناگون از جمله کاربرد اصطلاحات ناهماهنگ و احیاناً نادرست، برداشت‌های غیردقیق و نارسایی‌های مفهومی، فاقد استحکام لازم و شفافیت کافی برای انتقال پیام مورد نظر می‌باشد. این فقر ساختاری در حوزه علمی کارآفرینی، توسعه و پیشرفت در مطالعه کارآفرینی را به شدت محدود نموده و پیچیدگی‌هایی را برای علمای این رشته و همچنین دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران ایجاد نموده است.

چنین وضعیتی احتمالاً مبین این است که کارآفرینی به عنوان یک حوزه علمی نوظهور در وضعیت نوزایی علمی قرار دارد. شاید بتوان موقعیت کنونی رشته علمی کارآفرینی را گواه این موضوع دانست که کارآفرینی یک حوزه علمی میان رشته‌ای می‌باشد. بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان مدعی شد که به رغم تمام اهمیت پدیده کارآفرینی، قلمرو پژوهشی علمی کارآفرینی، با تناقضی در پتانسیل آن برای تعمیق، تنوع و کمبود مطلوبیت و کاربردی آن مواجه است. (بودلایی و آهوپای، ۱۳۹۷: ۲۰-۲۲). اما با این وضعیت از کارآفرینی تعاریف متعددی شده که به اهم آن‌ها اشاره می‌گردد.

جدول ۱-۱- تعریف کارآفرینی توسط محققان و صاحب‌نظران

تعریف	محقق
کارآفرینی را به عنوان یک فرایند پیچیده شامل نوآوری و رهبری می‌پندارد و معتقدند کارآفرینی یک فرایند پویا از بصیرت، تغییر و خلق است و این نیازمند استفاده از انرژی و اشتیاق به منظور ایجاد و اجرای ایده‌های جدید و راه‌حل‌های خلاق است (به نقل از عبدالکریم، ۲۰۱۹: ۱).	کوراتکو و هادگتس <sup>۱</sup>
پدر مطالعات کارآفرینی در مدرسه بازرگانی هاروارد معتقد است کارآفرینی پیگیری هر فرصت فراتر از کنترل منابع است. در واقع کارآفرینی می‌تواند به عنوان کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از یک فرصت تعریف شود (به نقل از عبدالکریم، ۲۰۱۹: ۲).	هوارد استیونسون <sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> Kuratko & Hodgetts

<sup>۲</sup> Stevenson

تحقیق	تعریف
بروس باچنیر <sup>۱</sup>	مدیر اجرایی آزمایشگاه کارآفرینی در دانشگاه پیس معتقد است کارآفرینی یک ذهنیت است، یک روش تفکر و عمل در مورد راه‌های جدید برای حل مشکلات و در نهایت به دست آوردن ارزش آن (به نقل از فرناندس، ۲۰۱۸)
تیاگوا <sup>۲</sup>	معتقد است کارآفرینی نوعی راه و روش تفکر است که به عنوان یک فرصت برای مقابله با تهدیدات در دنیای رقابتی امروز به شمار می‌رود، کارآفرینی همچنین بر نوآوری، بهره‌وری، و رقابت فردی و سازمانی تاثیرگذار می‌باشد (تیاگوا و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۵۴)
نادری و سیف نراقی <sup>۳</sup> (۱۳۹۲)	واژه یا اصطلاح Entrepreneurship که در فارسی برای آن اصطلاح کارآفرینی منظور شده است، نباید با اشتغال‌زایی که صرفاً به جنبه کمی ایجاد شغل در جامعه منجر می‌شود، اشتباه گرفته شود، زیرا در کارآفرینی به کیفیت جریان انجام یک امر یا ساختار یک تشکیلات توجه می‌شود و چه بسا با بازتعریف و بازبینی و ترکیب جمعی از مشاغل در جریان یک امر، مشاغل جدیدی تعریف شود که به لحاظ کمی احتمالاً کمتر از مشاغل قبلی است، در حالی که کیفیت امر مورد نظر افزایش می‌یابد و بهتر می‌شود. لذا شاید اصطلاح نوپیشه‌زایی مناسب‌تر از اصطلاح کارآفرینی باشد.
دراکر	دراکر (۱۹۸۵) کارآفرین را به عنوان کسی که همیشه در جستجوی تغییر است، به آن پاسخ می‌دهد و از آن به عنوان یک فرصت ممکن استفاده می‌کند، تعریف کرده است (به نقل از آلتان، ۲۰۱۵: ۳۷).

جدا از تعاریفی که ارائه گردید، این واژه می‌تواند در زمینه‌های علمی و از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. اقتصاددانان کارآفرینی را به عنوان عامل اصلی خلق فرصت‌های سرمایه‌گذاری تلقی می‌کنند. جامعه‌شناسان به عنوان تحریک‌کنندگان حساس در توسعه‌ی جوامع از آن یاد می‌کنند و روان‌شناسان از آن به منظور کشف صفات مشخصه‌ی کسانی که توسعه اقتصادی را رهبری می‌نمایند، یاد می‌کنند. همان‌گونه که پیداست تعریف جامع و مانع از کارآفرینی به دلیل میان‌رشته‌ای بودن کارآفرینی وجود ندارد و هر کدام از صاحب‌نظران و اندیشمندان از زاویه دید خویش به مفهوم کارآفرینی پرداخته‌اند اما در جمع بندی از تعاریف فوق می‌توان به این نکته اشاره داشت که کارآفرینی یعنی استفاده از فرصت‌ها در مواقع مقتضی و با هدف ایجاد تغییرات مطلوب (آقا محمدی، ۱۳۹۶: ۲۲)

<sup>۱</sup> Bachenheimer

<sup>۲</sup> Tiago

<sup>۳</sup>. بحث‌های کلاسی نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۹۲)

## مبانی کارآفرینی

مبانی برنامه درسی، مجموعه گزاره‌های توصیفی و تبیینی است که شناخت امور معینی را برای ما فراهم می‌سازد که فرایند برنامه‌ریزی درسی با تکیه بر آن‌ها صورت می‌پذیرد. اما مبانی برنامه درسی کارآفرینی بر دلالت‌های مهمی تاکید دارد که نگرش حاکم بر عناصر مؤلفه‌های برنامه درسی کارآفرینی را شکل می‌دهد. این دلالت‌ها عبارتند از:

۱. مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی
۲. مبانی دینی برنامه درسی کارآفرینی
۳. مبانی اجتماعی برنامه درسی کارآفرینی
۴. مبانی اقتصادی برنامه درسی کارآفرینی
۵. مبانی هنری برنامه درسی کارآفرینی
۶. مبانی روانشناختی برنامه درسی کارآفرینی

نظر به اهمیت تک تک مبانی موجود، آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‌شود مبانی روانشناختی برنامه درسی کارآفرینی است. اهمیت این مبانی در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی در عصر حاضر، یکی از دغدغه‌های امروز متخصصان آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان درسی است. مبانی روانشناختی برنامه درسی کارآفرینی، گزاره‌هایی را در ارتباط با دانش و ویژگی‌های روانشناختی یادگیرندگان که سودمند بوده و می‌بایست مورد توجه برنامه‌ریزان درسی کارآفرینی باشد، مطرح می‌کند، که مشتمل بر مؤلفه‌های (ویژگی‌های شخصیتی یادگیرنده، ویژگی‌های یادگیری فراگیرنده، ویژگی‌های ذهنی فراگیرنده) است (اسمی، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۹۶).

### نقش و ویژگی‌های کارآفرینان

روانشناسان در پی یافتن ویژگی‌ها و خصلت‌هایی در گروه‌های کارآفرینی بودند که بتوان با شناخت و آموزش اینگونه خصایص، به تربیت نسل‌های جدید از کارآفرینان مبادرت کرد. آن‌ها عقیده داشتند که شماری از ویژگی‌های فردی وجود دارند که وجه تمایز افراد کارآفرین و غیر کارآفرین تلقی می‌شوند. تاکید فزاینده بر خصایص فردی کارآفرینان منجر به تکوین نگرشی شد که بعدها به «رویکرد صفات» شهرت یافت. در تئوری صفات شخصیتی این اعتقاد وجود دارد که کارآفرینان از

نظر ارزش شخصیتی با افراد غیر کارآفرین متفاوت هستند (سانچیز، ۲۰۱۷: ۴۴۵). نکته مهم در این خصوص این است که تا مدتها طولانی دانشمندان معتقد بودند که کارآفرینی موضوع ارثی و وابسته به طبیعت و ذات افراد است و لذا کارآفرینان از افراد دیگر متمایز هستند. اما مطالعات بعدی نشان داد که کارآفرینی علاوه بر ویژگی فردی و مورثی، متأثر از محیط نیز می‌باشد.

بر این اساس تجربیات دوران کودکی (مثل آموزش زودرس، داشتن پدر و مادر کارآفرین) همچنین ارزشهای فرهنگی (مثل علاقه به رقابت، اصول اخلاق کاری، نگرش به پول و ثروت)، تجربه آموزش کارآفرینی و تاثیر آن، باعث شده کارشناسان بیشتر بر اکتسابی بودن کارآفرینی توجه نمایند (یعقوبی، ۱۳۹۷: ۵۶). در ادبیات کارآفرینی ویژگی‌های روانشناختی متعددی از سوی محققان و نظریه پردازان معرفی شده است.

تحقیقات نشان می‌دهد که ویژگی‌های مشترک قابل تاملی بین کارآفرینان وجود دارد. البته این ویژگی‌ها منحصر به فرد نبوده و هر یک از کارآفرینان بالقوه و یا بالفعل به یک نسبت از این ویژگی‌ها و قابلیت‌ها برخوردار نیستند (کیانی، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۳). تلاش‌های محققین روانشناسی در زمینه شناخت ویژگی‌های کارآفرینان فهرستی از صفات رفتاری متعددی را ارائه می‌نمایند. این فهرست که طی گردهمایی کاربردی راجع به کارآفرینی در ایالت هونولولو آمریکا تهیه شده ۱۹ صفت بارز را برای کارآفرینان ذکر کرده‌اند که عبارتند از:

اعتماد به نفس، استقلال رای، خوش بین، نیاز به موفقیت، پشتکار، سخت کوش، پیشگام، ریسک‌پذیر، اشتیاق به انجام کارهای بزرگ، رفتار هدایتگرانه، مردمدار، انتقادپذیر، دارای ابتکار و نوآوری، انعطاف‌پذیر، کاردان، با تدبیر، تغییر پذیر، دور اندیش، دارای قدرت درک بالا.

با مطالعه بیشتر این صفات محققین به این نتیجه دست یافتند که کلیه صفات نوزده گانه مذکور در همه کارآفرینان وجود ندارد. لیکن صفاتی نظیر اعتماد به نفس، ریسک‌پذیری، نرم خویی، نیاز به موفقیت و کامیابی، استقلال جویی بالا در اکثر کارآفرینان وجود دارد (امیر تیموری، ۱۳۹۵: ۱۹).

مک کلند و ویژگی‌های افراد کارآفرین را شامل انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، خلاقیت و استقلال طلبی می‌داند. بر اساس تحقیقات انجام شده پرورش ویژگی‌های ذکر شده در افراد باعث تقویت قابلیت کارآفرینی آنان می‌شود. برخی تحقیقات نشان می‌دهد که در افراد

۱ Sánchez

۲ McClelland

قابلیت‌هایی وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آنان می‌شود. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها خلاقیت، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و استقلال‌طلبی است. لذا در ادامه مولفه‌های فوق بررسی می‌شود (امیر تیموری، ۱۳۹۵: ۲۲).

خلاقیت و نوآوری: آشنایی با شیوه‌های گردآوری و اجرای ایده‌های جدید، روش یا ابزاری نو یا راه‌حلی نو برای یک مساله (اندرسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۲۹۷). طبق گفته‌های مورالس<sup>۲</sup> افراد دارای تسلط شخصی بالا (تکامل فردی) این توانایی را دارند که فاصله بین واقعیت فعلی و دید شخصی خود را مشاهده و با استفاده از نوآوری و خلاقیت واقعیت را به چشم‌انداز خود نزدیک کنند (فادلی هبیدین<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۶: ۴۰۹).

ریسک‌پذیری: داشتن جسارت و بروز رفتار یا تمایل به اقدام در جهتی با آینده‌ای نامعلوم. افرادی که دارای ریسک‌پذیری بالایی هستند دارای انگیزه بالایی برای اجتناب از شکست بوده و همواره به دنبال فرصت‌های محیطی هستند و صرف نظر از میزان استرس و فشار وارده به آن‌ها جهت شکست، در جهت بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها و فعالیت‌ها اقدام می‌کنند (اتکینسون<sup>۴</sup>؛ ۱۹۵۷: ۳۶۴).

کانون کنترل درونی: افرادی که اعتقاد دارند اغلب آینده در کنترل آنهاست و از طریق تلاش و فعالیت‌های خود به اهداف آتی خود دست می‌یابند دارای کنترل درونی هستند (نایر و پاندی<sup>۵</sup>؛ ۲۰۰۶: ۴۹). این یک ویژگی شخصیتی است که با تجربیات بیرونی از یک شخص مرتبط است که آیا قادر است حوادث زندگی خودش را کنترل کند (گرول و آستان<sup>۶</sup>؛ ۲۰۰۶: ۲۱).

انگیزه پیشرفت: عبارت است از تلاش برای دستیابی به اهداف تعیین شده و پایداری در دست یابی به اهداف، به گونه‌ای که افراد تلاش‌های خود را با شرایط منطبق کرده تا از وضعیت اولیه به وضعیت فعلی رسیده و سپس فاصله نهایی تا دستیابی به وضعیت پایانی که هدف مورد نظر است را بپردازد و این امر موجب تقویت انگیزه فرد و باعث پیشرفت بیشتر می‌شود (فیننس<sup>۷</sup>؛ ۲۰۱۴: ۴۹).

<sup>۱</sup> Anderson

<sup>۲</sup> Morales

<sup>۳</sup> Fadly Habidin

<sup>۴</sup> Atkinson

<sup>۵</sup> Nair&Pandey

<sup>۶</sup> Gürol&Atsan

<sup>۷</sup> Fennis



استقلال طلبی: عبارت است از اقدام در جهت جستجو و اجرای فعالانه برنامه‌ها، قرار دادن خود در موقعیت مورد نظر به صورت داوطلبانه و پذیرش مسئولیت، موفقیت یا شکست فعالیتها (تیمونس، ۱۹۷۸: ۱۰).

### کارآفرینی در رشته آموزش ابتدایی

نگاهی به آینده آموزش کارآفرینی در دنیای در حال تغییر، نشان‌دهنده نیاز به انتقال مهارت‌های کارآفرینی به دانش‌آموزان با استفاده از نوآوری و روش‌های غیرمتعارف آموزش، بر اساس عمل و تمرین است. بنابراین دانشجویان رشته آموزش ابتدایی باید برای مواجهه با این چالش آماده باشند. این مهم به دو صورت امکان‌پذیر است:

- تقویت آموزش معلم برای تدریس کارآفرینی در دبستان.
- پیشرفت حرفه‌ای مداوم برای تقویت شایستگی کارآفرینی.

کمیسیون اروپا تاکید زیادی بر آموزش معلمان ابتدایی و پیشرفت حرفه‌ای مداوم با همکاری و حمایت ملی و محلی در هر کشور دارد. در بسیاری از اسناد سیاست مانند کمیسیون اروپا ۲۰۰۴، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲؛ آژانس تضمین کیفیت برای آموزش عالی ۲۰۱۲ و انجمن جهانی اقتصاد ۲۰۰۹، اعلام کرد که برای ارتقاء مهارت و شایستگی کارآفرینی در جوانان، مهم است که این مهارت‌ها را از دوران کودکی از طریق آموزش و پرورش سطوح ابتدایی و آموزش‌های بعدی به ارمغان آورد. بدون تعداد کافی از معلمان آموزش دیده ما نمی‌توانیم به اهداف فوق دست یابیم (گاتوم، ۲۰۱۵: ۲۸).

### ویژگی‌های ذهنی- روانی دانشجویان کارشناسی آموزش ابتدایی

شناخت ویژگی‌های ذهنی و روانی در دانشجویان رشته آموزش ابتدایی به عنوان معلمان آتی همانند توجه به تربیت تخصص و کاردانی حرفه‌شان برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش ضروری است. در مقاله‌ای از والکر<sup>۳</sup> ویژگی‌ها و خصیصه‌هایی که باید در دانشجویان رشته آموزش ابتدایی تقویت شود، ذکر می‌گردد.

! Timmons  
! Gautam  
! Walker

- مثبت: دانشجویان رشته آموزش ابتدایی باید نگرش خوش‌بینانه نسبت به فرایند تدریس و دانش‌آموزان داشته باشند، آن‌ها در هر وضعیت جنبه مثبت آن را ببینند؛ خود را در دسترس دانش‌آموزان قرار دهند و با آن‌ها درباره پیشرفتشان ارتباط برقرار کنند.
- انتظارات بالا: آن‌ها باید بالاترین استانداردها را در نظر بگیرند و به طور مداوم دانش‌آموزان خود را برای انجام بهترین کار خود، به چالش بکشند. اعتماد به نفس را در همه ایجاد و به آن‌ها خودباوری را آموزش دهند.
- خلاقیت: افراد باید کاردان و خلاق در زمینه چگونگی تدریس‌شان در کلاس باشند. از فن‌آوری به طور موثر در کلاس درس استفاده کنند، برای شرکت در برنامه استعداد در مدرسه شرکت کنند و لباس مسخره بپوشند.<sup>۲</sup>
- منصف:<sup>۳</sup> اجازه دهند همه شاگردان فرصت و امتیاز برابر داشته باشند، و درک کردن اینکه همه شاگردان به یک شیوه و سرعت یاد نمی‌گیرند.
- ارتباط موثر: تجارب شخصی خود را در کلاس به اشتراک بگذارند، علایق شخصی دانش‌آموزان خود را پیدا کنند و از دنیای آن‌ها دیدن کنند (با آن‌ها در کافه تریا قرار بگذارند، در رویدادهای ورزشی و نمایشگاه‌های مختلف شرکت کنند و غیره).
- حس شوخ‌طبعی: موثرترین معلم باید چیزی را جدی نگیرند و دانش را به صورت سرگرم‌کننده آموزش دهند، طنز را هر روز در کلاس داشته باشند و در شرایط دشوار از آن استفاده کنند.
- احترام: احترام به حریم خصوصی شاگردان هنگام برگرداندن برگه امتحان و حساس بودن به احساساتشان و به طور مداوم از موقعیت‌هایی که آن‌ها دستپاچه و خجالت زده می‌شوند، پرهیز کنند.
- بخشش: برای رفتار نامناسب دانش‌آموزان، گذشت داشته باشند و درک اینکه داشتن نگرش غفورانه برای نزدیک شدن به دانش‌آموزان مشکل‌دار ضروری است و می‌تواند رفتار مخرب و ضد اجتماعی را به سرعت تغییر دهد.
- پذیرش اشتباهات: هنگامی که دانش‌آموزان به اشتباهاتی در نمره‌دهی یا مواد امتحانی که از آن‌ها درخواست نشده است، اشاره می‌کنند، می‌بایست تعدیلات و تغییرات مناسب را اعمال کنند (والکر، ۲۰۱۰: ۶۴).

---

<sup>۱</sup> See the glass as half full

<sup>۲</sup> Wear a clown suit

<sup>۳</sup> Fair

### دانش، نگرش و مهارت در برنامه‌های آموزش کارآفرینی

دانش کارآفرینی به درک فرد از مفاهیم، مهارت‌ها و ذهنیتی که انتظار می‌رود از یک کارآفرین، مربوط می‌شود. ماساد و تاکر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) معتقدند: دانش را می‌توان از طریق مواجه شدن مستمر با فعالیت‌های کارآفرینی به دست آورد و توسعه داد لذا، یادگیری با توسعه دانش کارآفرینی مرتبط است. تورکر دو نوع دانش کارآفرینی که مکمل همدیگر هستند زمان تعیین فرایندهای ایجاد سرمایه‌گذاری جدید را مشخص می‌کند: نوع اول دانش مربوط به افراد است. توانایی تشخیص فرصت‌های کارآفرینی، نوع دوم دانش به موفقیت می‌پردازد: بهره برداری از فرصت‌های شناسایی شده (تیکوهی و شامبرا،<sup>۲</sup> ۲۰۱۵: ۱۵۳).

نگرش کارآفرینی اشاره دارد به درک افراد از مطلوبیت انجام رفتار کارآفرینانه. محققانی چون اجزن<sup>۳</sup> (۱۹۹۱)، روزنبرگ و هاولند<sup>۴</sup> (۱۹۶۰)، نگرش را به عنوان حالتی از آمادگی یا تمایل در نظر گرفته‌اند که به طور کلی، حالتی موافق یا مخالف را نسبت به موضوع نگرش ایجاد می‌کند. نگرش یک حالت درونی و آمادگی است، بدین معنی که نگرش رفتار نیست، بلکه پیش رفتار است. نگرش کارآفرینانه را می‌توان به صورت جهت‌گیری‌های شخصی به سوی فعالیت‌های ارزش‌افزا در آینده و خود استخدامی در کسب و کارهای کوچک تعریف کرد. در واقع نگرش کارآفرینانه فرد را درگیر فرایند کارآفرینی می‌کند و تفکیک کننده کارآفرینان از غیرکارآفرینان است. نگرش کارآفرینانه، تابعی از هر سه نوع واکنش شناختی، عاطفی و رفتاری به یک موضوع کارآفرینانه مشخص است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نگرش کارآفرینانه و آموزش، سبب جهت‌گیری ذهنی و شخصی به سمت خود اشتغالی، کارآفرینی و مشارکت در فعالیت‌های ارزش‌آفرین خواهد شد.

متغیر دیگری که می‌تواند نقش موثری در فرایند کارآفرینی داشته باشد مهارت کارآفرینی است. مهارت به اجرای یک وظیفه خاص و یا به طور عام، به توفیق‌ها یا رفتارهایی گفته می‌شود که به واسطه عمل یا آموزش به دست می‌آید. به زعم محققان، مهارت کارآفرینانه به عنوان یکی از ضرورت‌های کارآفرینی مطرح است. تحقیقات در روان‌شناسی به طور مکرر نشان داده است که

<sup>۱</sup> Massad & Tucker

<sup>۲</sup> Tshikovhi & Shambare

<sup>۳</sup> Ajzen

<sup>۴</sup> Rosenberg & Holand

قابلیت‌ها و مهارت‌های کارآفرینی، افراد را قادر به تعامل با دیگران ساخته و نقش کلیدی در تعاملات حرفه‌ای و اجتماعی ایفا می‌کند (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹۰).

مفهوم "مهارت" از زمینه روانشناسی آمده است که به طور گسترده‌ای برای شرح توسعه انسان در حوزه‌های گوناگون به کار برده می‌شود. مهارت را به عنوان ظرفیت اقدام به شیوه‌ای سازمان‌یافته در یک بستر خاص تعریف می‌کنند. مهارت یک تعامل جامع میان فرد و محیط است. مهارت‌ها، امور جاری و جامعی هستند که دانش و توانایی را با حوزه محیطی درک شده‌ای از کاربرد ترکیب می‌کنند. این نکته حائز اهمیت است که مهارت‌ها به ظرفیت کامل خود نمی‌رسند بلکه به تدریج از طریق تمرین در یک بستر زندگی واقعی توسعه می‌یابند. مهارت در کارآفرینی توصیف توانایی‌های خاص یک کارآفرین در ارتباط با کسب و کار خود است. تجربه هر فرد کارآفرین با تجربه فرد دیگر متفاوت است. در نتیجه کارآفرینان مهارت‌های متفاوتی را نیاز دارند. به گفته ویکهام<sup>۱</sup> مهارت‌های کارآفرینی مهارت‌هایی هستند که عملکرد کارآفرینی را ارتقاء می‌دهند. او می‌افزاید یک مهارت، صرفاً دانش است که از طریق عمل، نمایش داده می‌شود.

هیسریج، پیترز و شفرد<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) تاکید می‌کنند که توسعه مهارت‌های خاص کارآفرینی یعنی کنترل درونی، ریسک‌پذیری، نوآوری، تغییرگر بودن، پافشاری و پشتکار و رهبری تجسمی، یک کارآفرین را از یک مدیر متمایز می‌سازد (مهراجی، ۱۳۹۴: ۱۶).

### نتیجه‌گیری

تحقیقات صورت گرفته راجع به کارآفرینی بیشتر به موضوعاتی از قبیل کارآفرینی سازمانی، اجتماعی، اجرایی و کسب و کارهای کوچک، بازاریابی، برنامه‌ریزی مالی، تامین منابع و غیره پرداخته شده این آموزشها دانشجویان را در کلاس از طریق فرایندهای یادگیری در فعالیتهایی درگیر می‌کند که به توسعه دانش و مهارتهایی منجر خواهد شد که دانشجویان بتوانند در رشته تخصصی‌شان ایده‌هایی مطرح کنند و ارتباط آن با کاربرد در محیط کاری را بیابند و برای به کار بردن ایده‌ها و آموخته‌هایشان در جهان واقعی راهکار ارائه دهند و در محیط کاری رقابت کنند حال آنکه دانشجویان علاوه بر کسب شایستگیهای تخصصی، باید به یکسری مهارتها و رفتارها نیز مجهز شوند تا تواناییهای کارآفرینانه‌شان را افزایش دهند که می‌توان به برنامه‌ریزی، حل مسئله، خلاقیت، تفکر انتقادی، خود

<sup>۱</sup> Wickham

<sup>۲</sup> Hisrich&Peters&Shephrd

ارزشیابی، کنترل درونی، اعتماد به نفس، ریسک‌پذیری، رهبری، مذاکره، شبکه اجتماعی، کارگروهی و مدیریت زمان اشاره کرد.

در موضوع کارآفرینی آموزشی بر اساس ویژگی‌های روانشناختی می‌توان به این مباحث پرداخت اما آنچه مشاهده شده در تحقیقات این است که کمتر به این موضوع پرداخته شده به ویژه زمانی که به تحقیقات موجود مرتبط با این حوزه در رشته آموزش ابتدایی نظر می‌شود، ناچیز بودن شمار پژوهش‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند.

بنابراین آنچه که قبلاً نیز به آن اشاره شد این است که در واقع بخش عمده دانش، نگرش، مهارت و توانایی‌های مرتبط با خصلت و رفتار کارآفرینی اکتسابی و قابل آموزش است و با آموزش کارآفرینی می‌توان ویژگی‌های شخصیتی که کارآفرینان به سوی کارآفرین شدن سوق می‌دهد را در افراد ایجاد و تقویت کرد. و این میسر نمی‌شود مگر اینکه دانشجویان رشته آموزش ابتدایی به عنوان معلمان آینده خود مجهز به این ویژگی‌های و صلاحیت‌ها شوند و نظام خشک و بروکراتیکی که در مدارس حاکم است و به گفته وایتهد<sup>۱</sup> محتوای مرده و توجه صرف به هوش کلامی-ریاضی که فراگیران را دارای جمود فکری کرده از بین برود.

در نتیجه برای ایجاد رشد اقتصادی و نوآوری در مشاغل مختلف، افزایش شهروندان شاد و توانا در حل مسائل و موضوعات درازمدت، داشتن سلامت فکری و روحی، درک فرصت‌ها و خلاءها ارائه «درس کارآفرینی» با توجه به ویژگی‌های ذهنی- روانی کارآفرینان آموزشی، به عنوان یک واحد اجباری در رشته آموزش ابتدایی ضروری می‌باشد.

### پیشنهادها

آنچه تحت عنوان برنامه درسی کارآفرینی توسط محقق پیشنهاد می‌شود شامل سه مولفه دانش، نگرش و مهارت است با چهار عنصر اصلی برنامه درسی یعنی اهداف، محتوا، روش تدریس و روش ارزشیابی که مبنای تهیه و تنظیم الگوی پیشنهادی درس کارآفرینی برای رشته کارشناسی آموزش ابتدایی است که در جدول ذیل به تفصیل به آن اشاره شده است.

جدول شماره ۱- مولفه‌های کارآفرینی و تعیین عناصر اصلی برنامه درسی کارآفرینی

عناصر برنامه درسی مولفه‌های کارآفرینی	اهداف	محتوا	روش تدریس	ارزشیابی
دانش	آشنایی با شیوه‌های گردآوری و اجرای ایده‌های جدید/ کنترل فرد بر خود و آینده/آگاهی برای دستیابی به اهداف و داشتن جسارت و شیوه اجرای فعالانه برنامه‌ها.	درک مفاهیم بنیادی و راهبردهای مورد نیاز در زمینه‌های کارآفرینی و نوآوری، کنترل درونی، استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، اعتماد به نفس و غیره	الگوی تفکر استقرایی دریافت مفهوم، بدیعه پرداز و کاوشگری الگوی یاران در یادگیری (ایفای نقش، تفحص گروهی، کاوشگری و غیره)	ارائه بازخورد به دانشجویان و تصویری از آنچه آموخته اند
نگرش	تقویت نگرش خوداتکایی و آزادی عمل / تقویت تمایل به خطر کردن و انگیزه پیشرفت.	ایجاد تجربیات و برنامه‌هایی در حول قابلیت‌های خاص فراگیر/تسهیل خود شکوفایی و کوشش برای رشد احساسات/ایجاد محیط‌های مناسب حمایت‌گر، جالب و خالی از تهدید / توجه به ارزش دیگران و مهارت در حل تضادها	روش تدریس غیر مستقیم و روش الگوی افزایش عزت نفس.	تدوین معیار استاندارد برای ارزشیابی پیامدهای برنامه آموزش کارآفرینی/ ارزشیابی میزان تغییر نگرش دانشجویان/ توجه به اصلاح فرایندها و شیوه‌های مورد عمل در جریان آموزش‌ها و نتایج عملکرد.
مهارت	پرورش توانایی تفکر واگرا و تجزیه و تحلیل انتقادی/ پرورش توانایی	دانش مبتنی بر تجربه توانایی نقش رهبری و کار با دیگران/ توانایی و	روش مهارت ورزی و روش خودآموزی	ارزشیابی بر اساس انجام پروژه‌های فردی و گروهی/

ارزشیابی	روش تدریس	محتوا	اهداف	عناصر برنامه درسی مولفه‌های کارآفرینی
<p>ارزیابی قابلیت‌های فردی با تاکید بر خودارزیابی برای تعیین پتانسیل کارآفرینی/ تصمیم‌گیری در باره ارتقاء یا ارتقاء نداشتن دانشجو در درس‌ها.</p>		<p>قضاوت اتخاذ تصمیمات مطلوب/ اصلاح فعالیتی که مطابق انتظار نبوده/ تجربه تغییر الگوهای شایستگی در صورت اقتضا/ انطباق با افراد و موقعیتهای جدید</p>	<p>پذیرش مسئولیت شکست و موفقیت/خودپنداره مثبت/ پرورش نیاز به موفقیت/ پرورش روحیه استقلال طلبی پرورش توانایی ریسک‌پذیری حساب شده و معقول</p>	



## فهرست منابع

۱. اسمی، کرامت (۱۳۹۳). طراحی چارچوب برنامه درسی کارآفرینی و ارزیابی برنامه درسی رشته‌های کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستان از منظر آن، پایان نامه دکتری، دانشگاه شیراز، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۲. آقا محمدی، جواد (۱۳۹۶). شناسایی و اعتباریابی مولفه‌های اثرگذار بر آموزش کارآفرینی در دوره اول متوسطه (مطالعه موردی استان کردستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۳. امیر تیموری، صدیقه (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مولفه‌های برنامه درسی پنهان و قابلیت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۴. بودلایی، حسن و آهوپای، مریم (۱۳۹۷). نگاهی پدیدارشناختی به کارآفرینی در ایران، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
۵. کیانی، اشرف (۱۳۹۵). کارآفرینی فردی مدیر و رابطه آن با کارآفرینی درون سازمانی از منظر مدیر و دبیران مدارس فنی و حرفه‌ای دخترانه در شهر تهران سال تحصیلی ۹۴-۹۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید رجایی، دانشکده تربیت دبیر.
۶. ملکی پور، احمد؛ حکیم زاده، رضوان؛ دهقانی، مرضیه و زالی محمد رضا (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در قلمرو رشته‌های کارشناسی علوم اجتماعی و رفتاری در دانشگاه تهران با دانشگاه‌های پیشرو جهان، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۸.
۷. مهرانجی، نرگس (۱۳۹۴). جایگاه و نقش برنامه درسی در تقویت مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۹۵). برنامه درسی دوره: کارشناسی پیوسته رشته آموزش ابتدایی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۹. یعقوبی، حمید (۱۳۹۷). اصول و مبانی کارآفرینی، تهران: انتشارات برایند پویش، چاپ اول.
۱۰. یعقوبی فرانی، احمد؛ معتقد، مهسا و کریمی، سعید (۱۳۹۴). نقش دانش و مهارت کارآفرینانه در توسعه قصد کارآفرینی دیجیتال دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان همدان، فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات ایران، دوره سی و یک، شماره ۳.
۱۱. لطفی، علی؛ اردشیر، مریم و عبدالهی حسینی، علی (۱۳۹۶). از آموزش کارآفرینی تا کارآفرینی آموزشی، آمل: نشر شمال پایدار.

1. Abdelkarim Abbas (2019). *Toward Establishing Entrepreneurshi Education & Training Programmes in a Multinational Arab University*. Published by Redfame Publishing, Vol. 7 No 1.
۲. Altan, Mustafa Zülküf (2015). *Entrepreneurial Teaching & Entrepreneurial Teachers*, Journal for Educators, Teachers and Trainers, Vol. 6.



۳. Anderson ,Neil; Potočník ,Kristina&Zhou Jing(2014). *Innovation and Creativity in Organizations: A State-of-the-Science Review ,Prospective Commentary ,and Guiding Framework Journal of Management*Vol. 40 No. 5.
۴. Atkinson john w(1957). *Motivational Determinants of Risktaking Behavior , Psychological Review* ,۶ NO ۶۴.
۵. Fernandes ,Paula(2018). *Entrepreneurship Defined: What It Means to Be an Entrepreneur* .<https://www.businessnewsdaily.com>.
۶. Fennis ,Bob M &Wiebenga Jacob H(2014). *The road traveled ,the road ahead ,or simply on the road? When progress framing motivation in goal pursuit Journal of Consumer Psychology* 24 ,۱.
۷. Fadyly Habidin ,Nurul; Ithnin Salleh ,Mad Md Latip ,Nor Azrin; Jusoh ,Osman; Nor Azhari Azman ,Mohamed; Mohd Fuzi ,Nursyazwani and Yong Yee Ong ,Sharon(2016). *Kids Entrepreneurship for Learning and Assessment Systems (KELAS) For Early Childhood Institution: Critical Success Factor Analysis and Decision Making Systems. International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences* ,Vol. 6 , No. 9.
۸. Gautam ,Manish kumar (2015). *Entrepreneurship Education: Concept , Characteristics and Implications for Teacher Education Shaikshik Parisamvad (An International Journal of Education(SPIJE ISSN 2231 – 2323 (Print) ,۲۲۳۱ □ ۲۴۰۴ (Online(Vol. 5 ,No. 1 January 2015 ,pp - 21-35.*
۹. Pandey ,Anu(2006). *Characteristics of Entrepreneurs: An Empirical Analysis Journal of Entrepreneurship* ,۱ ,۱۵
۱۰. Gürol ,Yonca &Atsan ,Nuray(2006). *Entrepreneurial characteristics amongst university students: Some insights for entrepreneurship education and training in Turkey ,Education þ Training*Vol. 48 No. 1.
۱۱. Sánchez García José Carlos; Ward ,Alexander; Hernández ,Brizeida & Lizette Florez ,Jenny(2017). *Entrepreneurship Education: State of the Art Jul. -Dic. 2017 ,Vol. 5 N° ۲: □□. ۴۰۱ □ ۴۷۳.*
۱۲. Walker ,Robert J(2010). *Twelve Characteristics of an Effective Teacher A Longitudinal ,Qualitative Quasi-Research Study of In-service and Pre-service Teachers' Opinions ,published in Educational Horizon* ,Vol. 87 ,No. 1.
۱۳. Tshikovhi ,Ndivhuho & Shambare ,Richard(2015). *"Entrepreneurial knowledge , personal attitudes ,and entrepreneurship intentions among South African Enactus students" Problems and Perspectives in Management* ,Volume 13 Issue 1.

۱۴. Timmons Jeffry(1978). Characteristics And Role Demands Of Entrepreneurship , American Journal of Small Business .Volume III.
۱۵. Teresa Tiagoa Sandra Fariaa João Pedro Coutoa Flávio Tiagoa. (2015) Fostering innovation by promoting entrepreneurship: from education to intention. International Conference on Strategic Innovative Marketing .IC-SIM 2014 September ۱-۴، ۲۰۱۴ .Madrid ,Spain. Procedia - Social and Behavioral Sciences 175 (2015) 154 – 161.

